



Termination of the Contract and Compensation for its Damages in Iranian Law and International Documents; International Sales Convention

Seyedeh Sadat Alavi¹, Bakhtiyar Abbaslou^{2*}, Mohammad Bahmani³

1. PhD Student of Private Law, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:139-154

Article history:

Received: 13 Apr 2024

Edition:07 Jun 2024

Accepted: 13 Aug 2024

Published online: 27 Sep 2025

Keywords:

Right of Termination, Termination of Contract, Full Compensation, Return of Goods.

Corresponding Author:

Bakhtiyar Abbaslou

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0001-9469-3271

Tel:

09123036224

Email:

abaslob@yahoo.com

ABSTRACT

Background and purpose: In commercial transactions, sometimes the contract is violated by one of the parties, and the issue of compensation is one of the important issues that needs to be discussed. The purpose of this article is to examine the termination of the contract and its compensation in Iranian law and international documents with emphasis on the international sales convention.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that the theory of full compensation is accepted in the principles of international commercial contracts of the Private Law Uniformity Institute. This theory was also accepted in the Convention on International Sale of Goods in 1980 and has been crystallized in international judicial and arbitration procedures. In Iranian law, this theory faces a fundamental challenge, especially in the case of damages caused by the strengthening of expected benefits.

Result: In Iranian law, termination will not have a retroactive effect, while in the Convention, the effect of termination extends to the past, and also in the Convention, basically, the implementation of the right of termination depends on the possibility of returning the goods; But this is not the case in Iranian law. In addition, the conditions and subsequent obligations in both legal systems are stable after the termination and the damage caused by the termination can also be claimed under certain conditions.

Cite this article as:

Alavi, S; Abbaslou, B; Bahmani, M. *Termination of the Contract and Compensation for its Damages in Iranian Law and International Documents; International Sales Convention* Economic Jurisprudence Studies. 2025.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

فسخ قرارداد و جبران خسارت آن در حقوق ایران و اسناد بین المللی، کنوانسیون بیع بین المللی

سیده سادات علوی^۱، بختیار عباسلو^{۲*}، محمد بهمنی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوص، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در مبادلات تجاری گاهی قرارداد از سوی یکی از طرفین نقض می گردد که بحث جبران خسارت ناشی از آن از موضوعات مهمی است که نیازمند بحث و بررسی است. هدف مقاله حاضر بررسی فسخ قرارداد و جبران خسارت آن در حقوق ایران و اسناد بین المللی با تأکید بر کنوانسیون بیع بین المللی است.

مواد و روش ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

یافته ها: یافته ها نشان داد در اصول قراردادهای تجاری بین المللی مؤسسه یکنواخت سازی حقوق خصوصی نظریه جبران کامل خسارت پذیرفته شده است. این نظریه همچنین در کنوانسیون قراردادهای بیع بین المللی کالا سال ۱۹۸۰ مورد پذیرش واقع شده و در رویه های قضایی و داوری بین المللی نیز تبلور یافته است. در حقوق ایران، این نظریه به ویژه در مورد خسارات ناشی از تقویت منافع مورد انتظار، با چالش اساسی مواجه است.

نتیجه: در حقوق ایران فسخ اثر قهرایی نخواهد داشت در حالی که در کنوانسیون اثر فسخ به گذشته نیز سرایت می نماید و همچنین در کنوانسیون اساساً اجرای حق فسخ به امکان اعاده کالا منوط است؛ اما در حقوق ایران چنین نیست. به علاوه، آنکه شروط و تعهدات تبعی در هر دو نظام حقوقی پس از فسخ از پایداری برخوردارند و خسارت ناشی از فسخ نیز تحت شرایطی قابل مطالبه می باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۹-۱۵۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

واژگان کلیدی:

حق فسخ، فسخ قرارداد، جبران کامل خسارت، اعاده کالا.

نویسنده مسئول:

بختیار عباسلو

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

09123036224

کد ارکید:

0000-0001-9469-3271

پست الکترونیک:

abaslob@yahoo.com

۱. مقدمه

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین، ضمانت اجرای متعددی پیش بینی گردید و تلاش شد تا به هر شکل ممکن از انحلال قرارداد جلوگیری و زمینه‌ی اجرای عین تعهد فراهم آید. پس طرفین مکلف به اجرای عین تعهد هستند. مقنن راه‌های تکمیلی مطالبه‌ی خسارت را در مواد، تعیین نموده است و همچنین اجرا نشدن قرارداد را به جهت تحقق شرایطی که می‌تواند از نقض اساسی یا غیراساسی باشد، به طور استثنایی پیش بینی نمود. راه حل اخیر در بیشتر نظام‌های حقوقی مانند ایران ناخوشایند و یا آن را آخرین راه حل دانسته‌اند. در برخی از کشورها از جمله فرانسه؛ شرایط فسخ بسیار سخت و پیچیده است و تحقق آن با مراجعه به دادگاه و نیز وجود شرط نقض شدید تعهدات محدود گردید. پیامد فسخ حسب مورد می‌تواند در حقوق طرفین اثرگذار باشد؛ چرا که اگر پذیرفته شود فسخ اثرش مانند بطلان است و قرارداد را از ابتدا، منتفی خواهد ساخت، منافع حاصله نیز از ابتدا به مالک عوض برمی‌گردد در این صورت وضعیت آن بسیار متفاوت است از اینکه تا پذیرفته شود فسخ فاقد اثر قهقه‌رایی بوده و بر گذشته اثرگذار نیست. همچنین آیا در کنار فسخ امکان مطالبه‌ی خسارت وجود دارد یا خیر؟ ضمانت اجرای متفاوتی حسب مورد برای طرفین وجود خواهد داشت. با آنکه فسخ، تأثیری بر شروط تبعی مانند داوری ندارد؛ اما برخی از تعهدات طرفین را منتفی و برخی دیگر پس از فسخ باقی خواهند ماند. وجود برخی از این موارد مانند مطالبه خسارت در کنار حق فسخ و امکان پایداری شروط داوری، می‌تواند تا حدودی ضرر وارده فسخ‌کننده را پوشش دهد و مانع‌رهایی عهدشکن از تعهدات

قراردادی گردد. بنابراین، ابتدایی‌ترین حالت جبران خسارت در خصوص جبران خسارات وارده به اشخاص، اعاده وضع به حالت سابق می‌باشد، بنابراین بعد از جلوگیری از ایجاد ضرر و خسارت در آینده، بایستی ضررهای گذشته نیز ترمیم گردد. در همین راستا ماده ۳۱۱ قانون مدنی مقرر کرده است: «غاصب باید مال محسوب را عینا به صاحب آن مسترد نماید». و به عبارتی اگر عین موجود باشد باید همان عین مسترد گردد. در این ماده دو حکم تکلیفی (حرمت تصرف مال غیر و وجوب رد عین) و (وضعی رد مال دیگری به صاحبش) قابل استنباط می‌باشد.

در حقوق ایران دیدگاه وجود دارد که بیانگر این است که اصل جبران خسارت مستند صریحی در متون قانونی و فقهی ندارد و نتیجه تئوری پردازان حقوقدانان می‌باشد، با اینکه پذیرش نظریه فوق منافاتی با مبانی قانونی و فقهی ندارد؛ ضرورت و مطلوبیتی نیز برای آن قابل تصور نیست و قابلیت جبران خسارت را بایستی با توجه به عوامل اساسی و بنیادی همچون زمینه محدود و مبنای مسولیت و نحوه ورود و زیان تعیین و مشخص نمود. ضرورت گسترش روابط تجاری بین‌المللی ایران نیز ایجاب می‌نماید که ابعاد مهم این مقررات با حقوق ایران مورد مطالعه قرار گیرد و نتایج آن در سیاست‌گذاری، تقنین، انعقاد قراردادهای، حل و فصل اختلافات ناشی از قراردادهای بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد.

سوال اصلی این مقاله نیز در خصوص قلمرو جبران خسارت بوده و با بیان این مطلب که حدود جبران خسارت از منظر اصول قراردادها، تجاری بین‌المللی، کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران کجاست و چه مواردی به عنوان خسارت در

گردیده و فسخ از جنبه استثنایی برخوردار می‌باشد. در این مقاله تلاش شده فسخ قرارداد و جبران خسارت آن در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی؛ کنوانسیون بیع بین‌المللی بررسی شود.

۵-۱. ضرر ناشی از فسخ قرارداد در حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و کنوانسیون بیع

۵-۱-۱. وضعیت شروط و تعهدات قراردادی پس از فسخ

قصد فسخ کننده قرارداد آن است به رابطه‌ی قراردادی خویشی با طرف دیگر پایان بخشد تا بیش از این به قراردادی فیصله دهد که او را به مقصود و انتظارش نرساند. بنابراین فسخ قرارداد، طرفین را از انجام تعهداتشان معاف می‌کند (پلان تار؛ صدیقی، ۱۳۷۰). اما قرارداد را کاملاً منتفی نمی‌سازد و در نتیجه اثر فسخ بر تعهدات اصلی اجرا شده در برابر تعهدات اجرا نشده یکسان نخواهد بود (شلختریم، ۱۹۹۸). از سوی دیگر فسخ تأثیری بر برخی از تعهدات تبعی یا شروط قراردادی نخواهد داشت.

۵-۱-۲. شرایط ضرر قابل مطالبه ناشی از فسخ

شرایط ضرر قابل مطالبه ناشی از فسخ عبارتند از:

الف) مسلم بودن ضرر

«زیان دیده برای آنکه بتواند خسارت خویش را از عامل زیان بستاند، ناچاراً ورود ضرر را از جانب متعهد را باید اثبات نماید. باید ضرری در میان باشد تا بتوان دعوی جبران خسارت اقامه نمود و این یک امر بدیهی است. مسئولیت مدنی وسیله جبران خسارت است و ضرورت وجود ضرر مسلم همسو با معقول بودن این شعبه از حقوق است و

نتیجه نقض قرارداد، قابل مطالبه است؟ و پیامدها و آثار مدنی فسخ را در کنوانسیون بیع بین‌المللی و حقوق ایران چیست؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه «در حقوق ایران برخلاف کنوانسیون بیع بین‌المللی فسخ اثر قهقرایی ندارد. ضمن اینکه اجرای حق فسخ برخلاف حقوق ایران منطوق به اعاده کامل کالا نیست». هدف مقاله بررسی فسخ قرارداد و جبران خسارت آن در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مؤسسه یکنواخت سازی حقوق خصوصی نظریه جبران کامل خسارت پذیرفته شده است. این نظریه همچنین در کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی کالا سال ۱۹۸۰ مورد پذیرش واقع شده و در روبه‌های قضایی و داوری بین‌المللی نیز تبلور یافته است. در حقوق ایران، این نظریه به ویژه در مورد خسارات ناشی از تقویت منافع مورد انتظار، با چالش اساسی مواجه است.

۵. بحث

همانند بسیاری از نظامهای حقوقی، در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا وین نیز بر پای بندی طرفین قرارداد به مفاد عقد و تعهدات ناشی از آن تأکید

علیت بین آن دو را قطع می‌کند یا اثر تقصیر چندان قوی است که بر آنها سایه می‌افکند؟» (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ج ۱، ۹۵).

ج) لزوم پیش بینی

«یکی از شرایط لازم برای مطالبه خسارت در برخی از نظامهای حقوقی آن است که ضرر قابل پیش‌بینی باشد به موجب این نظریه، فقط خساراتی که در حین تشکیل قرارداد پیش بینی شده یا قابل پیش‌بینی بوده قابل مطالبه است. ضرر وارده همیشه قابل جبران نیست بلکه باید شرایطی حاصل گردد که ضرر قابل جبران باشد که یکی از این شرایط، قابل پیش بینی بودن ضرر است که هم در مسئولیت قراردادی و هم در مسئولیت غیر قراردادی محل گفتگو واقع شده و اختلاف نظرهای زیادی هم در مورد اصل لزوم این شرط و تعمیم آن در مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی و مبانی آن وجود دارد و در نوع خود بحث جدیدی است. بی‌گمان، در صورتی که در اثر تأخیر یا عدم ایفای تعهدات قراردادی خسارتی متوجه زیان دیده گردد، متخلف از انجام قرارداد، باید آن را جبران نماید و در عین حال مسئولیت ناقض قرارداد در گسترهٔ اراده او باید تفسیر شود و منشأ تحلیلی این امر، این است که حدود مسئولیت متعهد در تخلف از مفاد قراردادی، اراده ایشان در زمان انشاء عقد است. در نظامهای کامن‌لا و همچنین حقوق فرانسه و نظامهای متأثر از حقوق این کشور، وجود این قید برای ایجاد مسئولیت قراردادی یا جبران خسارت ناشی از پیمان شکنی، لازم است» (غمامی، ۱۳۹۳، ۷۸). «لیکن، لزوم قابل پیش بینی بودن ضرر جهت متحقق دانستن مسئولیت قراردادی تحت عنوان قاعده ی دوری زیان در اسناد بین‌المللی مورد قبول قرار گرفته است. مطابق این قاعده

هر جا از فعل یا ترک فعل، ضرری به مفهوم عرفی بر زیان دیدهای وارد آید، وی محق به طرح دعوی مسئولیت مدنی است و دخل و تصرف اشخاص در امور مالی یا غیر مالی دیگران بدون اینکه ضرری به بار آید، سبب طرح دعوی مسئولیت مدنی نیست، هر چند از سایر جنبه‌های حقوقی یا کیفری قابل تعقیب باشد» (صفایی؛ رحیمی، ۱۳۹۴، ۶۷).

ب) مستقیم بودن ضرر

«ضرری قابل جبران است که مستقیم بوده و بدون واسطه از عدم اجرای تعهد یا تأخیر در اجرای آن ناشی شده باشد: ۱. ضرر غیر مستقیم نه در مسئولیت قهری و نه در مسئولیت قراردادی، قابل جبران نیست و در هر مورد تنها ضرر مستقیم قابل جبران است. بدین ترتیب چنانچه میان تخلف از اجرای تعهد و ضرر وارده، واقعه یا عامل دیگری وجود داشته و به طوری که نتوان گفت ضرر در نظر عرف از تخلف قراردادی ناشی شده است، مسئولیتی برای متعهد به وجود نمی‌آید. ۲. مانند آنکه شخصی ملزم به سم پاشی مزارع برای جلوگیری از تلف شدن گیاهان در برار آفت‌ها شود اما شخص مذکور در وظیفهٔ خویش تعلل نموده و گیاهان از بین رفته باشند ولی علت تلف گیاهان بخاطر خشکسالی یا مسائل دیگری تشخیص داده شود» (صفایی؛ رحیمی، ۱۳۹۴، ۹۸). «قانونگذار مدیون را مسئول خساراتی می‌داند که نتیجه ضروری و احتراز ناپذیر انجام ندادن تعهد است، ولی خساراتی را که تقصیر مدیون تنها یکی از اسباب دور آن است بر عهدهٔ او نمی‌گذارد و این تمیز چنان دشوار و وابسته به اوضاع و احوال است که نمی‌توان در قاعدهٔ روشنی آن را به نظم کشید؛ باید دید در نگاه عرف، حوادثی که میان عهد شکستن و ورود خسارت رخ می‌دهد رابطهٔ

از کالای جانشین ... به کار گرفته می‌شود. پس با ورود ضرر و امکان مطالبه‌ی خسارت خاص و مرتبط، فسخ منتفی نمی‌باشد و مورد حمایت کنوانسیون در مواد ۴۵، ۷۳ و ۷۹ است. به زعم برخی ماده ۱۹ می‌تواند، غیرضروری تشخیص و با سایر مواد نیز ممکن است به هدف مقنن در آن ماده نایل شد (هانولد، ۱۹۹۹). بدین ترتیب زیان دیده بر مبنای نقض قرارداد، ضرر متحمل‌ه حق فسخ را تحت شرایطی مانند ماده ۱۰ اعم از نقض اساسی یا غیراساسی دارا می‌باشد؛ و چون تمامی ضرر با اعلام فسخ جبران نمی‌شود به طور هم زمان حق مطالبه میزان ضرر واقعی متحمل‌ه را، خواهد داشت (صفایی و همکاران، ۱۳۹۷). در مواردی که تعهدات قراردادی نقض می‌گردد و برای مثال، فروشنده از تسلیم کالا خودداری می‌نماید و با اعطای مهلت اضافی نیز توجهی بر انجام تعهدات ننماید، خریدار حق خواهد داشت تا ۲ طبق ماده ۴۹ هم قرارداد را فسخ شده اعلام نماید و هم خسارات متحمل‌ه را نیز درخواست نماید. این خسارت شامل هزینه‌های از دست دادن سود و خرید کالای گرانتر هم می‌شود. مبنا و مستند حق فسخ در کنوانسیون برای مشتری در مواد ۴۹، ۷۱ و ۷۲ و برای بایع در ماده ۶۴، ۷۱ و ۷۲ پیش بینی شد. در پرونده‌ای که دو قرارداد بین فروشنده‌ی آمریکایی و خریدار روسی منعقد شد، مقرر بود در قرارداد اول، مواد اولیه تولید چیپس ارائه شود و در قرارداد دوم مقادیر چیپس بسته‌بندی شده ارائه گردد. خریدار مدعی شد چون محصول منطبق با مفاد و شرایط قراردادی نبوده، او از فروش آنها سودی حاصل ننمود. بنابراین خواستار اعاده پیشپرداخت و هزینه‌هایی شد که بابت طراحی و تحقیق به فروشنده داده بود. فروشنده نیز در پاسخ به دعوا اعلام داشت،

خواننده دعوا نسبت به خساراتی که از نقض عهد دور هستند مسئول نیست، مقصود از دوری زیان، فاصله زمانی یا مکانی ضرر نسبت بعید به فعل خواننده نیست، بلکه مراد آن است که آیا ورود زیان از دیدگاه طرفین قراردادی به نحو متعارف است یا خیر» (بهرامی، ۱۳۸۲، ۶۷). در کل بر اساس آنچه گفته شد، ضرر و زیان فسخ قرارداد اجاره، در شرایطی قابل مطالبه است که دریافت خسارت در قرارداد اجاره پیش بینی شده و یا طرف زیان دیده، اقدام به اثبات ضرر و زیان خود در دادگاه نماید. البته اگر به دلیل موجهی همچون وجود عیب در ملک، قرارداد فسخ شود، ضرر و زیان، از سوی طرف مقابل فسخ کننده، قابل مطالبه نیست.

۵-۱-۳. قواعد مطالبه خسارت خاص در کنوانسیون

برخلاف مسئولیت مدنی، که اثبات تقصیر عامل ورود زیان بر عهده‌ی زیان دیده است در مسئولیت قراردادی، عدم انجام تعهدات قراردادی تقصیر و موجب مسئولیت است (کاتوزیان، ۱۳۷۴). در کنوانسیون، از یکسو مستند ضرر واقعی، ضرر مذکور در ماده ۳۰ بوده که عبارت از تحمل هر نوع زیان از جمله عدم النفع ناشی از نقض قرارداد می‌باشد. در نتیجه ضرر و زیان معنوی طبق ماده ۵ از شمول کنوانسیون خارج و مفهوم خسارت بر آن اطلاق نمی‌یابد. از سوی دیگر قلمروی ضرر مورد مطالبه در مبحث آثار فسخ نباید شامل تمامی ضررهای ناشی از نقض باشد در آن صورت مطالبه‌ی خسارت از پیامد فسخ خارج می‌گردد؛ بلکه صرفاً باید محدود به مواردی شود که بر اثر فعل خاطی طرف دیگر ناچار از فسخ شد. بنابراین نسبت به دیگر ضرر وارده جبران نشده ضمانت اجرای دیگری مثل درخواست تعمیر کالا، استفاده

خریدار تاخیر نامعقول در دریافت کالا نموده و سبب بروز ضرر شد. در نتیجه فروشنده خواستار جبران ضرر ناشی از عدم تحصیل سود و نیز هزینه‌ی خدمات انجام شده گردید. دیوان داوری رای داد طرفین نسبت به اثر فسخ قرارداد عمالاً به توافق رسیده‌اند و باید هزینه مربوط به تطبیق کالا (توسط خریدار) منظور گردد و از این جهت ماده ۱۱ کنوانسیون را بی تاثیر نسبت به توافق انجام شده دانست. دیوان از پذیرش ادعای از دست دادن سود فروشنده، خودداری نمود و فروشنده را مکلف به باز پس دادن پیش پرداخت خریدار کرد اما در عین حال هزینه انجام شده از سوی فروشنده بابت تطبیق مدارک را پذیرا شد.

۵-۱-۴. وضعیت مطالبه خسارت ناشی از فسخ در حقوق ایران

در حقوق ایران نقض قرارداد در مواد ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۶، الی ۲۳۰ قانون مدنی و ماده ۵۱۵ به بعد قانون دارای ضمانت اجرا برای جبران خسارت است؛ از این جهت منطبق با مقررات کنوانسیون می باشد. اما همیشه ضمانت اجرای نقض قرارداد فسخ نیست؛ بلکه مقنن زمینه اجرای قرارداد را با اجبار به اجرای عین قرارداد و یا اجرای آن به هزینه متخلف را پیش روی متضرر قرار داده است (صفایی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۲۰۴). تنها در مواردی که قرارداد قائم به شخص باشد و انجام آن توسط دیگری مقدور نیست و خود مشروط علیه نیز اقدام نمی نماید، یا اجرای تعهد از سوی او ممکن نیست، در ماده ۲۳۹ ق.م. اجازه فسخ معامله به متعهد له داده شد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۴، ۸۷). تردیدی نیست در موارد نقض قرارداد به طور اعم، مطالبه خسارت امکان پذیر است، اما در موقعیتی که قرارداد با فسخ پایان می پذیرد صراحتاً نصی که حاکم بر جبران خسارت ناشی از فسخ قرارداد

باشد وجود ندارد، اعم از اینکه مبنای فسخ اختیارات مذکور در قانون مدنی مانند، عیب، یا ناشی از مفاد مواد ۲۳۹، ۴۹۶ و ۴۷۸ و یا مهمتر از آن خیار شرط مذکور در ماده ۹۱۱ ق.م. باشد. در همه این موارد فسخ بدون ضمانت اجرای مشخص جهت مطالبه‌ی خسارت رها شد. با این حال باید پذیرفت علاوه بر اجاره‌ی فسخ و انحلال قرارداد حق مطالبه‌ی خسارت را نیز به طرف با حسن نیتی که قرارداد را فسخ نمود، داده شود مگر در موارد استثنایی مانند خیار شرط مذکور در ماده ۹۱۱ ق.م. و یا بیع شرط مذکور در موارد ۰۰۱ و ۰۰۱ ق.م. که حق مطالبه‌ی خسارت قابل تصور نمی باشد. در این موارد آمادگی لازم در طرفین برای پذیرش احتمالی ضرر وجود دارد. این امر می تواند ناشی از حاکمیت اراده‌ی طرفین و یا قاعده‌ی اقدام، تحلیل و توجیه گردد، اما در سایر موارد در فرض ورود خسارت می توان مطالبه‌ی خسارت را بر اساس قواعد عام حاکم بر جبران خسارت در قرارداد ممکن شمرد (نهرینی، ۱۳۸۳). تنها ماده‌ای که در آن مقنن به طور روشن مطالبه‌ی ضرر و زیان ناشی از فسخ را در حقوق ایران پیش بینی نموده، ماده ۳۸۶ ق.م. است. این ماده مقرر می‌دارد اگر «در مورد دو ماه قبل معامله فسخ شود با بیع باید علاوه بر ثمن، مخارج معامله و مصارف متعارف را که مشتری نموده است بدهد...». این ماده صراحتاً ناظر بر جبران خسارت ناشی از فسخ معامله مذکور در مواد ۳۸۴ و ۳۸۵ است اما واجد این امتیاز است که مقنن به طور خاص پیش‌بینی خسارت ناشی از فسخ را در ذهن داشته و در این ماده برای جبران ضرر، علاوه بر اجازه‌ی فسخ معامله، با بیع را مکلف به اعاده‌ی ثمن و جبران خسارت ناشی از مخارج معامله نموده است. اما از خاص بودن این حکم نباید

موعد مقرر یا بعد از آن اقدام به تحویل می‌نماید، مقرر می‌دارد: «هرگاه کالا منطبق با قرارداد نباشد، مشتری می‌تواند از فروشنده بخواهد که عدم انطباق را با تعمیر کالا جبران نماید، مگر اینکه چنین درخواستی با توجه به اوضاع و احوال، غیرمعقول باشد. درخواست تعمیر باید از طریق اخطار موضوع ماده ۳۹ یا ظرف مدت معقولی پس از آن صورت گیرد.» همانطور که از متن ماده بر می‌آید کنوانسیون دو شرط جهت تولد به این ضمانت اجرا مقرر کرده است (عبدی پور؛ پرتو، ۱۳۹۱). ۱- معقول بودن درخواست رفع عیب ۲- درخواست تعمیر ضمن اخطار موضوع ماده ۳۹ یا ظرف مدت معقولی پس از آن.

فروشنده فقط در صورتی می‌تواند از تعمیر کالا اجتناب نماید که نامعقول بودن درخواست خریدار مبنی بر تعمیر کالا را اثبات نماید. نامعقول بودن در هر مورد، بستگی به شرایط خاص آن مورد از جمله نوع کالاها، وضعیت خریدار و فروشنده مانند عدم امکان تعمیر کالا یا ایجاد هزینه‌های غیرمتعارف برای فروشنده دارد. برای مثال در صورتی که رفع عیب موجب تحمیل هزینه‌های نامتعارف و سنگین بر فروشنده گردد، درخواست رفع عیب از جانب فروشنده معقول نمی‌نماید.

نامتعارف بودن درخواست تعمیر در تحمیل هزینه سنگین بر فروشنده خلاصه نمی‌شود. از مصادیق دیگر نامتعارف بودن درخواست می‌توان به آسانی تعمیر کالا و دوری مسافت فروشنده، عدم امکان تعمیر کالا از سوی فروشنده (اگرچه برخی از نویسندگان، ممکن بود رفع عیب را به عنوان یک شرط جداگانه بیان داشته اند) و ... اشاره کرد (شرافت پیمان؛ کاملی، ۱۳۹۶).

دچار تردید شد که در سایر موارد از این ماده به عنوان قاعده نمیتوان استفاده نمود؛ زیرا هم اصول حقوقی و هم مواد مربوط به جبران خسارت اعم از ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۱ ق.م. و مواد ۲، ۱، قانون مسئولیت مدنی و همچنین ماده ۱۰ قانون آئین دادرسی مدنی اجازه‌ی مطالبه‌ی خسارت را به اشکال مختلف خواهند داد. بنابراین منعی برای تسری مفاد ماده ۹۱۱ ق.م. به سایر موارد به شکل یک قاعده وجود ندارد و خصوصیتی برای جبران ضرر و زیان ناشی از فسخ در مواد ۳۸۵ و ۳۸۴ ق.م. نسبت به سایر مواد وجود ندارد تا از تعمیم آن امتناع گردد.

۵-۲-۲. الزام به تعمیر کالا

تعمیر کالا در دو حالت رفع عیوب کالا یا جایگزین کردن قطعه معیوب قابل تصور است. همچنین در موردی که مبیع از لحاظ کمیت، کمتر از مقدار قراردادی است، می‌توان از این ضمانت اجرا استفاده کرد.

حق تعمیر کالا در کنوانسیون در دو حالت مقرر شده است. اول اینکه مطابق ماده ۳۷ فروشنده حق دارد، چنانچه قبل از موعد مقرر اقدام به تحویل مبیع نموده باشد، تحت شرایط مقرر در این ماده (عدم ایجاد زحمت یا مشقت غیرمعقول و هزینه غیرمعقول برای خریدار) اقدام به رفع عدم مطابقت نماید. واضح است که یکی از طرق رفع عدم مطابقت، تعمیر کالا است که بر اساس این ماده قبل از موعد مقرر قابل انجام است. اما بحث ما مربوط به موردی است که تحویل قبل از موعد مقرر صورت نگرفته است بلکه این بحث در جایی مطرح می‌شود که بعد از تحویل کالا خریدار متوجه عدم مطابقت شده و به ضمانت اجراهای مقرر در کنوانسیون متوسل می‌گردد. ماده (۳) ۴۶ در خصوص تعمیر کالا زمانی که فروشنده در

است مفهوم نقض اساسی قرارداد مشخص گردد (هوبر؛ مولیس، ۲۰۰۷).

نقض اساسی قرارداد در ماده ۲۵ کنوانسیون مورد اشاره قرار گرفته است. اصطلاحات کلی و قابل تفسیر در متن قوانین، همواره وجود داشته است و این کنوانسیون نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. همانطور که مشاهده می‌گردد، در متن این ماده نیز از اصطلاحات «نقض اساسی»، «خسارات عمده» و «قابلیت پیش بینی» استفاده شده است. این امر یکی از دلایلی می‌تواند باشد که حقوقدانان امکان استثنا کردن این اصل و تغییر اثرات آن را مورد پذیرش قرار داده اند به نحوی که حتی طرفین قرارداد می‌توانند الزاماتی که منجر به نقض اساسی قرارداد می‌گردد، تعیین نمایند.

ماده ۲۵ دو شرط برای تحقق نقض اساسی قرارداد مقرر کرده است: ۱- نقض قرارداد موجب ورود چنان خسارتی به طرف دیگر گردد که او را از آنچه که استحقاق انتظار آن را داشته است، محروم کند؛ بنابراین بر اساس این بند:

اولاً باید خسارتی به طرف قرارداد (در اینجا خریدار) وارد شود؛ مفهوم خسارت در این بند بایستی از سایر خسارات جدا شود، به این معنی که خسارت در اینجا صرف ورود ضرر به خریدار نیست بلکه مفهوم وسیع تری را شامل است و برای مثال از دست دادن فرصت باز فروش کالاها، از دست دادن مشتریان و .. را شامل می‌شود.

ثانیاً او را از استحقاق آنچه که انتظار آن را داشته است، محروم نماید. در تبیین این بند بایستی وضعیت یک انسان متعارف در آن اوضاع و احوال سنجیده شود، به عبارت دیگر معیار نوعی در تبیین این بند باید مدنظر قرار بگیرد نه معیار شخصی (فرهرست، ۲۰۱۶).

با این حال اصل بر این است که درخواست تعمیر کالا متعارف است، بنابراین اثبات نامتعارف و غیرمعقول بودن آن بر عهده فروشنده خواهد بود. بند ۳ ماده ۴۶ نیز همانند بند ۲ آن، خریدار را موظف کرده است که در صورتی که بخواهد درخواست تعمیر بنماید، بایستی ضمن اخطار عدم مطابقت یا ظرف مدت معقولی پس از آن درخواست تعمیر کار را بنماید. مدت معقول در هر مورد بستگی به اوضاع و احوال خاص آن مورد مانند ماهیت کالاها، عیب کالاها، عرفهای تجاری، وضعیت خریدار و فروشنده و ... خواهد داشت (عبدی پور؛ پرتو، ۱۳۹۱). سالم بودن مبیع شرطی است که در سکوت طرفین، در توافق صورت پذیرفته مستتر است. بایع آگاه از این تکلیف بوده و مشتری خود را ذی حق آن تعهد می‌داند. در کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ خریدار از حق الزام به تعمیر کالا در فرضی که مبیع غیر منطبق با قرارداد بوده، بهره مند است. این حق در بند ۳ ماده ۴۶ در آن کنوانسیون با شرایطی به رسمیت شناخته شده است. چنین حقی نه در فقه امامیه و نه در قانون مدنی مطرح نشده است.

۵-۲-۳. الزام به تعویض کالا

تسلیم کالای جایگزین از موارد اجرای عین تعهد به مفهوم عام آن می‌باشد که به عنوان یکی از ضمانت‌های عدم مطابقت کالا در ماده (۲) ۴۶ کنوانسیون آمده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه کالا منطبق با قرارداد نباشد، مشتری در صورتی می‌تواند تسلیم بدل آن را درخواست نماید که مغایرت کالا متضمن نقض اساسی قرارداد باشد و درخواست بدل کالا از طریق اخطار موضوع ماده ۳۹ یا ظرف مدت معقولی پس از آن صورت گیرد.» بنابراین قبل از ورود به بحث لازم

کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی کالا: «خسارت ناشی از نقض قرارداد به وسیله یکی از طرفین عبارت است از مبلغی برابر زیان، از جمله عدم النفعی. . . .» بر اساس این ماده عدم النفع که نسبت به منافع آینده مطرح می‌شود، بخشی از زیان تلقی شده است. بدون تردید بخش دیگر، زیانهایی است که به صورت بالفعل به متعهدله وارد شده است. به عنوان مثال در یک قرارداد بین‌المللی، شرکتی متعهد می‌شود که یک برج تجاری عظیمی را با مصالح استاندارد احداث نماید. شرکت متعهد با تخلف از قرارداد، از مصالح غیر استاندارد در بنا استفاده می‌کند و به فاصله اندکی از تحویل برج، بخشی از برج فرو می‌ریزد و خسارتهای مستقیم زیادی را بر ملاک برج تحمیل می‌کند. نمونه دیگر اینکه پیمانکار تعمیر و سرویس یک دستگاه تولیدی، تعهد خود را بر طبق قرارداد انجام نمی‌دهد و در نتیجه به دستگاه نامبرده خسارت وارد می‌شود. این خسارت‌ها بر اساس ماده ۲-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی قابل مطالبه می‌باشد، چرا که متعهد، تعهد خود را - به نحو مقرر در قرارداد- اجرا نکرده است.

در حقوق ایران نیز اینگونه خسارات بدون تردید با استناد به قوانین مسئولیت قراردادی همچون ماده ۲۲۱ قانون مدنی و ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی قابل مطالبه می‌باشد. البته برخی از نویسندگان معتقدند که اینگونه خسارات را می‌توان با استناد به ماده «۳۳۱» قانون مدنی در تسبیب نیز مطالبه نمود. (امامی، ۱۳۹۸، ج ۱، ۲۴۳).

تفاوت دیدگاه اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی کالا با

شرط دوم این است که نقض کننده بایستی وقوع ضرر را پیش بینی می‌کرده است. در سنجش قابلیت پیش بینی، هم معیار شخصی و هم معیار نوعی بر اساس این ماده بایستی مدنظر قرار گیرد، به عبارت دیگر شخص نقض کننده ورود خسارت عمده را پیش بینی نمی‌کرده است و یک شخص متعارف در آن اوضاع و احوال نیز امکان پیش بینی آن را نداشت. نکته قابل ذکر در این زمینه این است که اثبات قابلیت یا عدم قابلیت پیش بینی ضرر بر عهده ناقض قرارداد می‌باشد، لذا در این مورد فروشنده بایستی ثابت نماید که امکان پیش بینی ضرر برای خریدار با توجه به اوضاع و احوال وجود داشته است (رامبرگ، ۲۰۱۱).

به منظور تعیین اینکه نقض صورت گرفته از ناحیه فروشنده نقض اساسی محسوب می‌شود یا نه، ملاک‌های زیر باید مدنظر قرار بگیرد: ۱- نیاز طرف زیان دیده به قرارداد، به این روش جبران خسارت با توجه به تمام واقعیات؛ ۲- تلاش طرف نقض کننده برای رفع نقض اثر؛ ۳- تناسب یا در دسترس بودن ضمانت اجراهای دیگر.

۵-۲-۴. جبران خسارتهای مالی ناشی از نقض تعهدات قراردادی

«در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بعد از اینکه زیان‌دیده را مستحق دریافت خسارت کامل می‌داند در بیان مراد از خسارت کامل تصریح نموده است که این صدمات، هرگونه زیان وارده و هرگونه نفعی را شامل می‌شود که وی از آن محروم شده است. مراد از هرگونه زیان وارده که در مقابل منافی که زیان‌دیده از آنها محروم شده است، مطرح شده؛ زیان‌های مستقیمی است که در نتیجه عدم اجرای تعهد طبق قرارداد، بالفعل به زیان‌دیده وارد می‌شود» (شلختریم، ۲۰۰۹، ۷۸). مطابق ماده ۴۷

حقوق ایران؛ محرومیت از این منافع در تفسیر رسمی این اصول نیز به عدم النفع تعبیر شده و آمده است «عدم النفع که گاه به آن ضرر و زیان تبعی هم می‌گویند، منفعتی است که در صورت اجرای مناسب قرارداد، به طور معمول عاید طرف زیان‌دیده می‌شد». البته در قسمت پایانی بند ۱ ماده فوق، تصریح شده است که در مقام پرداخت ضرر ناشی از منافع تفویض شده، هرگونه نفع مکتسب از سوی طرف زیان دیده که ناشی از اجتناب از هزینه یا صدمه باشد، باید محاسبه گردد. توضیح اینکه اگر زیان‌دیده از قبال عدم انجام تعهد، منفعتی به دست آورده (مثل اینکه مجبور نبوده هزینه های اتاق هتل را برای هنرمندی که در موعد مقرر حاضر نشده، بپردازد) یا در نتیجه اجتناب از هزینه‌ها، منفعتی به دست آورده است، باید در محاسبه خسارت در نظر گرفته شود.

در ماده ۷۴ کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی کالا نیز عنوان شده است که طرف زیان‌دیده نه تنها در مورد زیانی که متحمل شده، بلکه برای منفعتی که در نتیجه عدم اجرا از آن محروم شده، مستحق دریافت خسارت است. با استناد به این ماده، آراء زیادی در مراجع قضایی و داوری صادر شده است. از جمله می‌توان به رای دادگاهی در نیویورک در پرونده فروش دستگاههای تهویه مطبوع اشاره کرد که دادگاه به دلیل عدم تطابق کالا با قرارداد و فسخ قرارداد از سوی خریدار، به پرداخت خسارت نسبت به منافع مسلم تفویض شده، حکم نمود اما در خصوص خساراتی که خریدار نتوانست اثبات نماید که در نتیجه مستقیم نقض قرارداد فروشنده بوده؛ دادگاه خریدار را مستحق دریافت خسارت ندانست.

قانون مدنی ایران در این است که بر اساس این دو سند بین‌المللی، جبران خسارات مطلق است و نیازی به درج شرط جبران خسارت در ضمن قرارداد نمی‌باشد اما در قانون مدنی ایران در انتهای ماده ۲۲۱ جبران خسارت به این شرط منوط شده بر «جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد، عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون، موجب ضمان باشد» البته در مقام عمل بیشتر نویسندگان معتقدند که «تصریح در قرارداد ضرورت ندارد چرا که در عرف تجارت امروز هیچ زیانی نباید بدون جبران بماند» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۸۹). در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بعد از اینکه زیان‌دیده را مستحق دریافت خسارت کامل میدانند در بیان مراد از خسارت کامل تصریح نموده است که «این صدمات، هرگونه زیان وارده و هرگونه نفعی را شامل می‌شود که وی از آن محروم شده است». مراد از «هرگونه زیان وارده» که در مقابل منافی که زیان‌دیده از آنها محروم شده است، مطرح شده؛ زیان‌های مستقیمی است که در نتیجه عدم اجرای تعهد طبق قرارداد، بالفعل به زیان‌دیده وارد می‌شود.

۵-۲-۵. جبران خسارات ناشی از محروم شدن از منافع در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی کالا

«اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ماده ۲-۴-۷ طرف زیان‌دیده را به دلیل متحمل شدن صدمات ناشی از عدم اجرا؛ مستحق منافی که زیان دیده از آنها محروم شده، نیز می‌داند. در بند ۱ ماده ۲-۴-۷ این صدمات هرگونه نفعی را شامل می‌شود که وی از آن محروم شده است» (چنگوی؛ ماری استفانینی، ۲۰۰۷، ۹۹). همچون

ضرر و امکان مطالبه خسارت خاص و مرتبط، فسخ منتفی نمیباشد و مورد حمایت کنوانسیون است. در حقوق ایران نقض قرارداد دارای ضمانت اجرا برای جبران خسارت است؛ از این جهت منطبق با مقررات کنوانسیون می‌باشد. اما همیشه ضمانت اجرای نقض قرارداد فسخ نیست؛ بلکه مقنن زمینه اجرای قرارداد را با اجبار به اجرای عین قرارداد و یا اجرای آن به هزینه متخلف راپیش روی متضرر قرار داده است. در کنوانسیون طرفین پس از فسخ از اجرای تعهدات به شرط پرداخت خسارت، بری می‌شوند ولی فسخ تاثیری در شروط و تعهدات تبعی مانند شرط داوری، حفظ کالا، نخواهد داشت. پس از اعمال فسخ طرفین مکلف به اعاده ی آنچه که در راستای اجرای تعهد به آنان پرداخت شد به طرف دیگر می‌باشند و اعمال فسخ منوط به امکان اعاده کالا با همان وضعیتی است که دریافت شد. در شرایط استثنایی نیز با تسلیم بدل هم فسخ امکان پذیر است. همچنین اثر فسخ در خصوص مطالبه منافع، جنبه قهقهرایی داشته و طرفین مکلف به اعاده منافع مبیع یا ثمن از تاریخ وقوع عقد می‌باشند. در عین حال امکان فسخ و مطالبه ی خسارت همزمان میسر است. به هر حال الزام به جبران خسارت ناشی از فسخ مبتنی بر مواد کلی است و صراحتاً در کنوانسیون برای جبران خسارت ناشی از فسخ، ماده خاصی وجود ندارد. در حقوق ایران معافیت طرفین از اجرای تعهدات قراردادی پس از فسخ نص صریحی وجود ندارد و برخلاف کنوانسیون اعمال حق فسخ منوط به امکان اعاده ی مبیع توسط خریدار نیز نگردید. به طور کلی و علیرغم وجود تشابه قابل توجه میان مسئولیت مدنی ناشی از فسخ قرارداد در حقوق ایران و بیع بین‌المللی و نتایج ناشی از آن نکته قابل توجه

اساسی‌ترین مفهوم این ماده اصل جبران کامل خسارت است. این نحوه جبران خسارت، طرف خسارت دیده را به لحاظ اقتصادی در موقعیتی قرار می‌دهد که اگر قرارداد اجرا می‌شد، در آن موقعیت قرار داشت. در اصول اروپایی حقوق قراردادها نیز در ماده ۹، تصریح شده است که طرف زیان‌دیده حق دریافت خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد توسط طرف دیگر قرارداد را به جز در موارد معذور بودن عدم اجرا (ماده ۸) دارد. در این ماده خسارات قابل مطالبه شامل خسارات غیرمادی (معنوی) و همچنین خسارات آینده که به صورت متعارف محتمل است به دست آید نیز می‌شود.

۶. نتیجه

فسخ به عنوان یکی از ضمانت اجرای عدم انجام یا نقض قرارداد، در کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران پیش‌بینی گردیده است. پیامد فسخ در کنوانسیون و حقوق ایران دارای وجه اشتراک و افتراق می‌باشند. در کنوانسیون، از یکسو مستند ضرر واقعی، ضرر مذکور در ماده ۷۴ بوده که عبارت از تحمل هر نوع زیان از جمله عدم النفع ناشی از نقض قرارداد می‌باشد. در نتیجه ضرر و زیان معنوی طبق ماده ۵ از شمول کنوانسیون خارج و مفهوم خسارت بر آن اطلاق نمی‌یابد. از سوی دیگر قلمروی ضرر مورد مطالبه در مبحث آثار فسخ نباید شامل تمامی ضررهای ناشی از نقض باشد. در آن صورت مطالبه ی خسارت از پیامد فسخ خارج می‌گردد؛ بلکه صرفاً باید محدود به مواردی شود که بر اثر فعل خاطی طرف دیگر ناچار از فسخ شد. بنابراین نسبت به دیگر ضرر وارده جبران نشده ضمانت اجرای دیگری مثل درخواست تعمیر کالا، استفاده از کالی جانشین به کار گرفته می‌شود. پس با ورود

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت مشترک در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

این است که بر خلاف مجموعه اسناد بین‌المللی مورد بحث در حقوق کشورمان جای خالی وضعیت مسئولیت مدنی ناشی از فسخ در قراردادها را مشخص نموده باشد، به روشنی نمایان است که با بحث در این خصوص تنها حاصل استنباط ها و استنتاج هایی که از مواد متعدد و پراکنده قانون مدنی در مباحث بیع، اجاره، اقاله و قواعد عمومی تعهدات می باشد. به موجب قواعد کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، چنانچه نقض قرارداد شرایط مقرر در کنوانسیون را داشته باشد، اساسی محسوب شده و می تواند از موجبات فسخ باشد. چنین نقضی ممکن است واقعی یا احتمالی باشد. چنانچه موعد اجرای تعهد فرا رسیده باشد، نقض واقعی می باشد. لکن چنانچه پیش از رسیدن موعد، معلوم شود که یکی از طرفین، مرتکب نقض اساسی خواهد شد، نقض احتمالی قرارداد مطرح می شود. در این صورت متعهدله می تواند با استناد به چنین نقضی به ضمانت اجراهای موجود از جمله فسخ متوسل شود. مساله قابل توجه دیگر آنکه اثر فسخ در کنوانسیون بیع کالا، ناظر به گذشته بوده و تمامی شرایط را به حالت پیش از انعقاد قرارداد برمی گرداند.

منابع

منابع فارسی

- قرارداد)، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ بیستم، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۸.
- بهرامی، بهرام، آیین دادرسی مدنی کاربردی، چاپ ششم، تهران، نشر نگاه بینه، ۱۳۸۲.
- پلانتار ژان، پی یر؛ صدیقی، ایرج، «حقوق جدید متحدالشکل بیع بین المللی کنوانسیون سازمان ملل متحد مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۰»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی، شماره نه، ۱۳۷۰.
- شرافت پیما، محمدرضا؛ کاملی، جعفر، «حق تعویض و تعمیر کالا در کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، شماره بیست و دو، ۱۳۹۶.
- شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم، اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، تهران، انتشارات فروزش، ۱۳۸۲.
- صفایی، سید حسین، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۳.
- صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از
- قرارداد)، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
- صفایی، سید حسین و همکاران، حقوق بیع بین المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- صفایی، سیدحسین؛ عادل، مرتضی؛ کاظمی، محمود؛ میرزانژاد، اکبر، حقوق بیع بین الملل، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.
- عبدی پور، ابراهیم؛ پرتو، حمیدرضا، «بحثی در عدم مطابقت حقوقی کالای و ضمانت اجراهای آن»، فصلنامه حقوق دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، شماره دو، ۱۳۹۱.
- غمامی، مجید، قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، نشر سهامی انتشار، ۱۳۹۳.
- کاتوزیان، ناصر، درسهایی از عقود معین (دوره مقدماتی حقوق مدنی)، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (الزامهای خارج از قرارداد- ضمان قهری)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (عقود معین)، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

- Fairhurst, John, Law of the European Union, Eleventh Edition, New York, Publisher Pearson Education Limited, 2016.
 - Gabriel, Henry Deeb, Contracts for the Sale of Goods(A Comparison of U.S. and International Law), 2nd Edition, New York,Oxford University Press, 2008.
 - Honnold, John O, Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention, 3 nd Edition, The Hague, Publisher Kluwer Law International, 1999.
 - Huber, Peter and Mullis, Alastair, CISG (A new textbook for students and practitioners), 1th Edition, Germany,Sellier european law publishers, 2007.
 - Karen, Davies, Understanding European Union Law, 5th Edition, New York, Publisher Routledge, 2013.
 - Ramberg, Jan, ICC Guide to Incoterms 2010, 5nd edition, Paris, Publishing International Chamber of Commerce, 2011.
 - Schlechtriem, Peter and Butler, Petra, UN Law on International Sales(The UN Convention on the International Sale of Goods), کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
 - نهرینی، فریدون، ماهیت و آثار فسخ قرارداد در حقوق ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.
 - صادقی، محسن، شیوه‌های جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مجله: پژوهش‌های حقوقی، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۸۳.
 - فرزندگان، محمد؛ ظهوری، سمیه ؛ تقی پور درزی نقیبی، محمد حسین، نحوه ترتیب ضمانت اجرای تخلف از تعهد در حقوق ایران، کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق انگلیس، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، شماره دهم، پاییز ۱۴۰۱.
- منابع لاتین**
- Chengwei, Liu; Marie Stefanini, Newman, Remedies in International Sales(Perspectives from CISG- UNIDROIT Principles and PECL), NY,1nd edition, Press Juris Net, 2007.
 - Davies, Martin; Snyder, David V,International Transactions in Goods(Global Sales in Comparative Context), 1th Edition, New York,Oxford University Press, 2014.

- 1nd edition, Germany,
Publisher Springer-Verlag,
2009.
- Schlechtriem, Peter, law economics international trade uniform sale the Un convention on contracts international sale of goods, Translated by G. Thomas, 2nd edition, New York, Oxford University press, 1998.
 - Yovel, Jonathan, « Comparison between provisions of the CISG (Seller's Right to Remedy Failure to Perform: Article 48) and the counterpart provisions of the PECL», available online at: <https://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/peclcomp48.html>.

